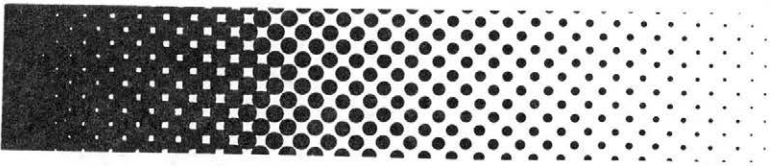




حوادث تاریخی مکه



حوادثی که در طی قرنهای گذشته در مکه اتفاق افتاده است.

نوشته: هادی امینی

ترجمه: محسن آخوندی

رفت و آمد بازرگانی منجر گردیده و خسارتهای فراوان و مصیبتهای بزرگ را در پی داشته، عنایت خداوندی همواره شامل بیت الله الحرام بوده، مردان با همتی به تجدید بنای آن قیام کرده اند. در اینجا تنها به ذکر حوادثی که در عهد اسلام واقع شده اشاره می شود، این حوادث را می توان به دو قسمت تفکیک کرد:

خانه کعبه، که خداوند آن را حرم امن و مقدس و هدایت کننده جهانیان قرار داده، شاهد حوادث ناگواری بوده که هر یک در پی دیگری به ویرانی و خرابی آن انجامیده است. در کنار سیلها و تندبادهای ویرانگری که به کشته شدن هزاران نفر از زائران و از بین رفتن کالاها و دارایی های آنان، و ویران شدن خانه های مجاور کعبه و متوقف شدن

می‌کردند. مردی به نام «دویک» این اموال (یا قسمتی از آن را) بدزدید، قریش دستش را بریدند، سپس برای مشورت گرد آمده، تصمیم به بازسازی آن گرفتند.

امواج دریا یک کشتی را به بندر جدّه افکنده بود، کشتی درهم شکسته شده بود، قریش آن را اوراق کرده، چوبش را جهت تعمیر خانه استفاده کردند. آن روزها در مکه یک نفر نجّار قبطی سکونت داشت. او این چوبها را آماده ساخت تا خانه را به بلندی هیجده ذراع بنا کردند.

در کتاب کافی با سندهای مختلف از علی بن ابراهیم و دیگران، روایت شده است که: قریش کعبه را فروریختند، زیرا سیل از بالای مکه، به درون آن سرازیر می‌شد. کعبه، شکاف برداشته بود و غزالی زرین که پاهایش از گوهر بود به دلیل کوتاه بودن دیوارهای کعبه به سرقت رفت. این واقعه، سی سال قبل از بعثت پیامبر اتفاق افتاد. قریش تصمیم گرفتند کعبه را فرو ریزند و دوباره بسازند و بر مساحتش بیفزایند، اما در عمل ترسیدند که با تیشه زدن به آن، غذایی بر ایشان نازل شود. «مغیره بن مغیره» به آنها گفت: بگذارید من این کار را شروع کنم، اگر خداوند از این کار راضی باشد، صدمه‌ای به

۱ - حوادث و آفات طبیعی

۲ - حوادث ناشی از تعصبات جاهلیت و بی‌بندوباریها

۱ - حوادث و آفات طبیعی

موقعیت جغرافیایی مکه به گونه‌ای است که اطراف آن را کوهها احاطه کرده است و در گذشته هرگاه بارانهای تند می‌بارید، آب باران از کوهها به سوی مکه سرازیر شده و در بسیاری از مناطق آن، دریاچه‌ها و گردابهایی را به وجود می‌آورد که خانه‌ها در میان آنها به صورت جزیره‌ای جلوه‌گر می‌شد و مسجدالحرام که چندین متر پایین‌تر از سطح آب قرار گرفته، هنگام طغیان سیل به دریاچه عمیق و گودی مبدل می‌شد.

بدین جهت، از قدیم در اطراف آن خانه‌هایی بنا شده تا خانه کعبه را از طغیان سیل، حفظ کنند. سیل‌های مکه، حوادث مصیبت‌بار و خسارتهای فراوانی را باعث شده است که در ذیل آنها را شرح می‌دهیم:

۱ - ۳۵ سال پس از تولد پیامبر، مکه را سیل فرا گرفت، به گونه‌ای که پایه‌های کعبه را برانداخت. در میان کعبه، چاهی بود که اموال و نذورات و هدایایی را که از طرف مردم، داده می‌شد، در آن نگاهداری

هر کس از باب بنی شیبه داخل شود، سخن و قضاوت او را در این امر بپذیرند. اتفاقاً پیامبر(ص) سر رسید قریش گفتند:

«این امین است که آمده است» و او را داور و حاکم ساختند. پیامبر(ص) ردای خویش را گسترد و حجرالاسود را بر آن نهاد و گفت: «از هر طایفه قریش مردی بیاید».

«عتبه بن ربیعہ بن عبد شمس» و «اسود بن المطلب» از بنی اسد بن عبدالعزئی، و «ابوحذیفه بن المغیره» از بنی فخرم، و «قیس بن عدی» از بنی سهم آمدند و چهار گوشه ردای رسول الله(ص) را برگرفتند و بلند کردند، پیامبر(ص) سنگ را برگرفت و بر جایش نهاد.

پادشاه روم، یک کشتی از چوب و ابزارآلات و پوشش سقف، همراه جمعی کارگر، به جانب حبشه روانه ساخته بود تا در آنجا صومعه‌ای بنا کنند. طوفان، کشتی را به ساحل افکند، قریش خبردار شدند، رو به ساحل نهادند و چوب و تخته و زیورآلاتی را که به درد ساختمان کعبه می‌خورد، خریدند و به مکه آوردند. مقدار چوبها درست برابر با بنای کعبه (به استثنای حجرالاسود) بود و چون کعبه را بنا کردند، آن را با جامه‌هایی پوشاندند.

من نخواهد رسید و اگر مورد رضایت خداوند نباشد ما را از این عمل باز خواهد داشت.

پس بر کعبه بالا رفت و سنگی از آن را بجنبانید، ماری از آن بیرون آمد و قرص آفتاب بگرفت. مردم چون این بدیدند، بنای گریه و زاری و نیایش گذاشتند و گفتند: خدایا! جزیت خیر و صلاح نداریم، پس ما را پنهان شد و آنان کعبه را خراب کردند و سنگهایش را در اطرافش چیدند تا به پی ساختمان که ابراهیم(ع) کار گذاشته بود، رسیدند.

چون خواستند بر پهنای کعبه بیفزایند و پایه‌هایی را که ابراهیم(ع) بنیان کرده بود، تکان دادند، زلزله‌ای سهمناک درگرفت و تاریکی همه جا را گرفت، پس دست از آن کشیدند. بنای ابراهیم(ع)، طولش سی ذراع و عرضش بیست و دو ذراع و ارتفاعش نه ذراع بود. قریش گفتند: پس بر ارتفاعش می‌افزاییم، با این تصمیم، به بنای آن پرداختند. چون ساختمان به محل حجرالاسود رسید، بین قریش در کارگذاری آن مشاجره درگرفت، هر قبیله مدعی شد که در انجام این کار سزاوارتر از دیگران است و این کار به عهده اوست. وقتی مشاجره بالا گرفت و به طول انجامید بدین رضا دادند که

در اصول کافی از حضرت صادق(ع) روایت شده است که فرمود:

«قریش در عصر جاهلیت، خانه کعبه را فرو ریختند و چون خواستند دوباره بنایش کنند، امر مرموزی مانع آنها می شد و ترس درونشان را فرامی گرفت تا آنکه یکی از آنان گفت: باید هر کدامتان، پاکترین مالتان را بیاورید و مبادا مالی بیاورید که از راه حرام به دست آمده و یا در جریان کسب آن، احترام پیوند خویشاوندی رعایت نشده باشد. پس چنین کردند و بر اثر آن، مانع بر طرف شد و به تجدید بنای آن موفق شدند تا به محل حجرالأسود رسیدند. بر سر اینکه چه کسی حجرالأسود را در مکانش قرار دهد، اختلاف و مشاجره در گرفت و نزدیک بود فتنه‌ای بر پا شود که در این هنگام پذیرفتند نخستین کسی را که از در مسجد در آید داور و حاکم قرار دهند، در همین موقع رسول خدا(ص) داخل شد و فرمود تا جامه‌ای گسترده و سنگ را در میان آن نهاد و قبيله‌های مختلف، اطراف آن جامه را گرفته، بلند کردند و رسول خدا(ص) سنگ را برگرفته، به جای خود نهاد، بدینسان، آن افتخار را، خداوند مخصوص وی گرداند»^۱.

این خلاصه حادثه‌ای بوده که ۲۰۷۵ سال

پس از ساخته شدن کعبه توسط ابراهیم خلیل(ع) رخ داد.^۲

۲ - سیل ام نهشل؛ در زمان خلافت عمر بن خطاب، از جانب شمال مکه سیلی داخل مسجدالحرام شد، این سیل ام نهشل دختر عبید بن سعید بن عاص بن امیه را با خود برد و در پایین مکه، جسد او یافت شد. این سیل را به نام او، «ام نهشل» نامیده‌اند.

این سیل، مقام ابراهیم را از بنیان کند و با خود برد و در پایین مکه یافت شد و اثر جای آن نیز از بین برفت. پس آن را در کنار کعبه قرار دادند و در این باره به عمر بن خطاب نوشتند. پس او نیز با پریشانی آمد تا اینکه مقام را در مکان خود قرار داد.

در همان سال، آب بندی بنا شد که «آب بند عمر»، خوانده می شود و آن آب بند، بندی است که از سرای «جحش بن رباب» که به آن «دارابان بن عثمان» نیز گویند، تا سرای «بیه» کشیده شده است.

این آب بند با صخره و سنگهای بزرگ و ساروج بنا شد و رخنه‌های آن گرفته شد، از هنگام ساخته شدن این آب بند، هیچ سیلی از ارتفاع آن تجاوز نکرد، با آنکه سیل‌های بزرگی بعد از آن آمدند.^۳

۳ - سیل حجاج: این سیل همه چیز را

ر بود و با خود برد و از این رو «حجاف» (ریابنده و ضرر رساننده) نام گرفت، این سیل، حاجیان بسیار و شتران باربر و مردان و زنان فراوانی را با خود برد و کسی توانایی نجات آنان را نداشت. آب، عده زیادی را غرق کرد و آنچنان بالا آمد تا تمام کعبه را فرا گرفت. این واقعه در روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه) سال ۸۰ هجری، در زمان خلافت عبدالملک بن مروان، اتفاق افتاد. و حاجیان صبح کردند و با احساس امتیث، به وادی مکه فرود آمدند. باران بسیار کم و ملایمی بر آنان بارید، اما بارندگی تند در شمال وادی، جریان داشت.

ابوالولید گوید: نیای من، از سفیان بن عینه، از عمرو بن دینار، نقل کرد: بارانی که در سال حجاف، بر مکه بارید بسیار اندک بود و شدت آن در بالای وادی بود، سپیده دم روز ترویبه قبل از نماز صبح، ناگهان سیل جاری شد و مردم و متاعشان را ببرد و به مسجد داخل شد و کعبه را فرا گرفت. سیل، ناگهانی آمد و خانه‌ها و خیابانهای اطراف دره را، ویران ساخت و مردم بسیاری را کشت و دیگران به کوهها پناه بردند.

عبدالله بن ابی عماره، درباره این واقعه چنین سروده است:

لم تر عینی مثل يوم الاثنين
اکثر محزوناً وابکی للعین
اذ خرج المغنثات یسعین
سواندا فی الجبلین یرفین

«هرگز، چشمان من همانند روز دوشنبه، اینقدر انسانهای محزون و گریان را شاهد نکرده است، آن هنگام که زنها، در پی پیدا کردن پناهگاهی روی به دو کوه آوردند و از آن بالا می‌رفتند».

به عبدالملک بن مروان، واقعه را نوشتند. بیمناک گردید و پول زیادی فرستاد و فرمانروای خود در مکه (عبدالله بن سفیان مخزومی، و برخی حارث بن خالد مخزومی را فرمانروای مکه گفته‌اند) را مأمور ساخت که سدها و سیل‌بُرهایی، برای خانه‌های اطراف دره، از آن مال به وجود آورد. و او نیز آب‌بندهایی بر دهانه‌های راههای آب به وجود آورد تا بدین گونه خانه‌های مردم را، از خطر سیل حفظ کند و یک مهندس نصرانی را برای ساختن آب‌بندهایی در اطراف مسجدالحرام، و در دو جانب وادی برای حفظ خانه‌های مردم، برگماشت.

آب‌بند «خرامیه» بر دهانه خط خرامیه و آب‌بندی که به نام آب‌بند «بنی جمح» خوانده می‌شد از جمله آنها است، اگر چه

را سیلی فرا گرفت که به دنبال آن، عوارض ناگواری بر پیکر و زبان مردم آن دیار، ایجاد شد و دچار سرگشتگی و چیزی شبیه خیل (جنون) گردیدند، بدین جهت سیل مخیل، نام گرفت. این سیل، سیل عظیمی بود که به مسجدالحرام، سرازیر و کعبه را فرا گرفت.

۵- سیل ابی شاکر: در سال ۱۲۰ هجری در زمان خلافت هشام بن عبدالملک، در مکه آمد که مغازه‌ها و خانه‌های بسیاری را ویران و ضررهای فراوانی رساند. از آن جهت، نام آن را، سیل ابی شاکر نهادند که در آن سال، ابی شاکر، مسلمة بن هشام بن عبدالملک، برای حج، به مکه آمده بود.^۵

۶- سال ۲۰۸ هجری، در ماه شوال، سیل عظیمی در مکه آمد و مردم را غافلگیر ساخت و آب، پشت سدی که در «ثقبه» واقع بود لبریز شده و سرازیر گردید و سد را ویران ساخت و با سیلی که از جانب سده و منی، سرازیر شده بود مسجدالحرام و کعبه را فرا گرفت و به باب و حجرالاسود رسید و مقام را از جای کند و بیش از هزار خانه را ویران و بیش از هزار نفر را طعمه خویش ساخت و مسجد را از گیل و سنگ پر کرد و صندوقها، و دگه‌های فروشندگان را با خود برد و به پایین مکه انداخت. آن زمان، حاکم مکه، عبدالله

آب بند بنی جمح از آن آنان نبود و برای بنی قراد بود اما به این نام، شهرت یافت.

باز گوید: عبدالملک به کارگزار خویش دستور داد که صخره‌های بزرگ را بکار گیرد و او نیز با ازابه‌ای سنگها و صخره‌ها را درآورد و پیرامون خانه‌های مردم را حفر کرد و سیل بره‌های محکمی را با آن سنگها بنا کرد.

گویند: آن ازابه به وسیله شتران و گاوانی کشیده می‌شد. این کار خرج بسیاری برداشت و چه بسا برای حفظ خانه‌ای کوچک، چندین برابر قیمت آن، خرج می‌شد. از آن سیل بره‌ها که از سرای ابان بن عثمان، تا خانه ابن الجوار، کشید شده بود، هنوز آثاری باقی است. تمام این سیل بره‌ها، از همان مال فرستاده شده از جانب عبدالملک، ساخته شد.

از سیل بر بنی جمح که از جانب چپ مکه تا پایین آن کشیده شده است، نیز آثاری باقی است. اما سیل بر داراویس که در پایین مکه در گلوگاه دژه واقع شده، امر آن بر ما مشتبه شده چرا که بعضی آن را نیز کار عبدالملک می‌دانند، و اما برخی دیگر گویند که آن کار معاویه بن ابی سفیان است.^۴

۴- سیل مخیل: در سال ۸۴ هجری، مکه

بن حسین بن عبدالله بن عباس بن علی بن ابیطالب بود. او از مأمون خلیفه عباسی، کمک خواست و نوشت: «ای امیرالمؤمنین! ساکنان حرم الهی و مجاورین بیت خدا و انس گرفتگان به مسجد او و آبادکنندگان بلاد او، از سیل بنیان کنی که خانه‌ها و اموال بسیاری را طعمه خود کرده و مردان و زنان بسیاری را هلاک گردانیده، به دامن احسان تو پناهنده شده‌اند. سیل، هیچ خوراک و پوشاکی را برای مردم، باقی نگذاشته و آنان در پی پیدا کردن غذا، روانند و فرصت آن ندارند تا عقده دل را با گریه کردن بر مادران و فرزندان و پدران و اجدادشان بکشایند. ای امیرالمؤمنین! آنان را در سایه عطوفت و احسان خود پناه ده که خداوند را پاداش دهنده و مردم را سپاسگزار خواهی یافت.»

مأمون، اموال زیادی برای آنان فرستاد و نوشت: «شکایت تو، در مورد وضع اهل حرم، به امیرالمؤمنین رسید و با دیده رقت، بر آنان گریست و با باران نعمتهای خود، به یاری آنان پناهنده شد. به دنبال کمک‌هایی خواهد آمد، اگر خداوند، خلیفه را بر عزم و تبتش ثابت بدارد»^۱.

۷ - سال ۲۵۳ هجری، سیل عظیمی در مکه آمد و کعبه را فراگرفت و تا نزدیکی

حجرالاسود رسید خانه‌های بسیاری را ویران و مسجد را از گل ولای انباشت، بگونه‌ای که برای پاکسازی آن، ازابه‌ها به کار گرفته شد^۲.

۸ - سال ۲۹۷ هجری. مسعودی گوید: به مدینه، خیر رسید که چهار ستون بیت‌الله الحرام، در آب فرو رفته و چاه زمزم، لبریز و جاری شده است و حال آنکه چنین امری در گذشته سابقه نداشته است^۳.

۹ - سال ۵۲۸ هجری، در ماه جمادی‌الاول و در سال ۵۴۹ در مکه، بارانی فرود آمد همراه با تگرگهایی که به بزرگی تخم مرغ بودند و چون با ترازو وزن شدند، وزن هر تگرگ معادل صد درهم بود.

و در سال ۵۶۹ هجری سیلی آمد که به داخل دارالاماره سرایت کرد. و نیز در سال ۵۷۰ در هشتم ماه صفر سال ۵۵۳ هجری، سیل به داخل کعبه راه یافت و یکی از لنگرهای باب ابراهیم را کنده و منا بر خطابه و پله کعبه را با خود برد. سطح آب، بسیار بالاتر از قندیل‌های وسط مسجد رسید. و نیز در سالهای ۵۹۳ هجری و ۶۲۰ هجری و ۶۵۱ هجری و چهاردهم شعبان سال ۶۶۹ هجری، سیل وارد بیت‌الله الحرام شد و آنچه سر راه بود برداشت، و در حرم انباشت و در نیمه شعبان، حرم مانند دریایی شده بود که منبر

حرم در آن موج می‌زد.

در آن شب، صدای اذانی شنیده نشد. مردم آن چنان از بیم و هول هلاکت در سیل، مدهوش و مضطرب شده بودند که چه بسا، بسیاری از مردم، نمازهای واجب خود را فراموش کرده باشند. پس چگونه ممکن بود که به نماز مستحب نیمه شعبان پردازند و حال آنکه خانه‌هایشان، ویران و یا تباه شده بود.^۹

۱۰ - سال ۷۳۸ هجری، روز پنجشنبه دهم جمادی‌الاول، سیل‌هایی از جوانب مختلف به راه افتاد که عظیم‌ترین آنها، از وادی ابراهیم سرازیر شده بود که همراه با ابرهای تیره و رعد و برقهای سهمگین و بارانهای تند بود. سیل، از جمیع جهات و از تمامی درها وارد حرم شد و پیرامون ستونهایی که در طریقتش قرار گرفتند ستونی همانند آن به بلندی دو قامت و بیشتر به

وجود آورده بود که اگر پایه‌های آن محکم نبودند آنها را از اساس، ویران می‌کرد. قطعه‌هایی از درهای حرم کنده شده همراه با منابر خطابه، هر کدام در جهتی طواف می‌کردند، ارتفاع آب کنار کعبه افزون از قامت آدمی بود و آب از شکافهای در، داخل کعبه شد و سطح آن بیش از دو وجب از آستانه آن بالاتر قرار گرفت و به قندیلهای مطاف رسید و در برخی از آنها، از بالای آن نیز گذشت. بعضی از زنهایی که در اطراف بر سکوها نشسته بودند، غرق شدند و خانه‌های بسیاری ویران شد و بسیاری جان سپردند. هم چنین در سالهای ۷۵۰، ۸۰۲، ۸۲۵، ۹۷۱، ۹۸۳، ۱۰۲۱، ۱۰۲۴، ۱۰۳۳، ۱۰۳۹، ۱۰۷۳، ۱۰۹۱، ۱۰۹۳ و ۱۳۲۵، سیل کعبه را فراگرفت که تفصیلات آن در کتابهای تاریخ ذکر شده است.

پاورقی‌ها:

- ۱ - کافی ج ۴، ص ۲۱۷.
- ۲ - شهداء الفضیلة، ص ۱۸۹.
- ۳ - اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۹۴.
- ۴ - البدایه و النهایه، ج ۹، ص ۳۱؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۹۵؛ تاریخ طبری ج ۷، حوادث سال ۸۰ هجری.
- ۵ - تاریخ طبری، ج ۸، ص ۳۴۷؛ المنتقی فی ارام‌القری، ص ۳۰۲.
- ۶ - مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۹۸؛ اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۹۷؛ شذوات الذهب، ج ۲، ص ۲۰.
- ۷ - مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۹۹.
- ۸ - مروج الذهب، ج ۴، ص ۳۰۷.
- ۹ - المنتقی فی اخبار ام‌القری، ص ۳۰۵ - ۳۰۱.